



مشارکت مردم در امور کشورها از زمانی اهمیت یافت که حکومت‌های مبتنی بر آرای مردم، آهسته آهسته جای خودشان را در اقصی نقاط دنیا باز کردند. با شکل‌گیری حکومت‌هایی که برخی مناصب و مشاغل آنها انتخابی بودند، مشارکت مردمی در انتخابات اهمیت یافت.

نظام‌های سیاسی در دنیا که با دموکراسی اداره می‌شوند به خاطر مبنا قرار دادن فرد و لیبرالیسم همواره نسبت به عدالت نگاهی فرعی دارند، بدین معنا که عدالت را در ذیل تعریف می‌کنند و به همین دلیل هیچگاه عدالت به معنای کلمه خود تعریف و تفسیر نمی‌شود و مورد استعمال قرار نمی‌گیرد. به دلیل مبنا قرار نگرفتن «عدالت» در شوون مختلف این نظام‌های سیاسی در درازمدت آسیب‌هایی متوجه آنان شده که نیاز به ترمیم در ساختارها را اثبات کرده است. طبیعی است که در همین تعریف ناقص از دموکراسی نیز برای تشخیص صلاحیت افراد برای حضور در پست‌های سیاستگذاری و تصمیم‌گیری ساختاری وجود دارد که اجازه حضور «هر» فردی را نخواهد داد.

در نظام مبتنی بر ولایت فقیه که در کنار «عدالت»، «فقه» نیز رکن حکومتداری محسوب می‌شود، عدالت نه در فرع است، بلکه به‌عنوان اصلی‌ترین محور و مبنا قانونگذاری و سیاستگذاری از اهمیت برخوردار است. در اسلام و قرآن که برای همه شوون زندگی بشر برنامه دارد، سیاستگذاری و قانونگذاری توسط صالحان مورد تأکید قرار گرفته است. به طوری که در نظام شایسته‌سالاری مدینه فاضله نبوی همواره عدالت به‌عنوان اصلی‌ترین شاخصه یک رهبر یا یک ساختار حکومتی معرفی شده است.

در روایات متعدد، گزاره‌های فراوانی برای تشریح مساله عدالت در جزئیات حکومتداری وجود دارد که با استمداد از آنها می‌توان به راهبردهای عینی برای تحقق عدالت در حکومت دست یافت.

شیخ صدوق از حضرت علی(ع) روایت کرده که فرمود: روزی پیامبر (ص) در مساجد نشسته بود، مردی یهودی وارد شد و پرسش‌هایی را در زمینه توحید و صفات خدا مطرح کرد، از آن جمله پرسید: آیا پروردگارت ستم می‌کند؟ پیامبر(ص) فرمود: خیر. یهودی گفت به چه دلیل؟ پیامبر پاسخ داد: «لعمله بقبچه و استغفانه عنه؛ چون به زشتی ظلم آگاه است، و نیازی به انجام آن ندارد. یهودی گفت: آیا در این باره از جانب خدا مطلبی بر تو نازل شده است؟ پیامبر(ص) فرمود: آری. آنگاه آیتاتی از قرآن را برای او تلاوت نمود.» (توحید صدوق، ص ۳۹۸–۳۹۷)

متکلمین شیعه عموماً از عدلیه هستند و یکی از اصول دین اسلام را اصل «عدل» می‌دانند. در منظر قرآن نیز در عالم تعظیم، ظلم و بی‌عدالتی در آفرینش هستی جایی ندارد و در عالم تشریح نیز عدل مهم‌ترین هدف بعثت انبیا تلقی شده است.

قرآن در موارد مختلف به این صفت الهی اشاره می‌کند:

«شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ إِنَّ إِلَهَ الْأَوْ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان اوأ و دانشوران آنیز گواهی می‌دهند که [جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست». (آل عمران/ ۱۸)

«وَنُصِّحَ الْمَوَازِينِ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِئْنَا حَالِيبِينَ»؛ و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می‌نهمیم پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی‌بیند و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن

را می‌آوریم، کافی است که ما حسابرِس باشیم». (انبیاء/۴۷)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کند که حاکمیت از آن خداوند است. از آنجا که ولی فقیه به‌عنوان نایب امام معصوم که او نیز منظر عدل الهی است، رهبری را بر عهده دارد، در نظام ولایت فقیه عدالت در همه زیرشاخه‌های حکومت تسری می‌بخشد. از آنجا که در نظام ولایت فقیه وظیفه حکومت تعیین شاخص‌هایی برای انتخاب کارگزاران اصالح است «عدالت» باید رویکرد اصلی نهادهای نظارتی چون شورای نگهبان در تشخیص صلاحیت‌ها باشد.

در مناسبات سیاسی و اجتماعی و در روابط بین فردی عدل را «تحصیل حق خود از دیگران و به جا آوردن حق دیگران» تعریف می‌کنیم. به همین دلیل صورت عینی عدالت همواره با «حق» تعریف می‌شود. یعنی عدالت در جامعه فقط در صورت تحقق حق معنا می‌یابد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی به حقوق افراد، گروه‌ها و جناح‌ها و حقوق شهروندی تصریح شده است. حضرت علی(علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه درباره عدل می‌فرماید: «العدل یضع الامور مواضعها؛ عدل هر چیزی را در جایگاه ویژه خود قرار می‌دهد.» (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۳۷)

«عدل» در لغت به معانی مختلفی به کار رفته است. برخی از معانی به کار رفته برای عدل عبارت است از تعادل و تناسب، تساوی و برابری، اعتدال و امر و حد وسط میان افراط و تفریط، استواء و استقامت: «العدالة و المعادلة لفظ یقتضی معنی المساواة... فالعدل هو التقيسط علی سوا...» (مفردات راغب، ص ۳۲۵)

اگر بخواهیم قدر متیقن تعاریف یاد شده از معنای عدل را مدنظر قرار دهیم می‌توانیم بگوییم زمانی مفهوم عدالت محقق می‌شود که هر چیزی در جایگاه مناسب خود قرار گیرد.

امام علی(علیه‌السلام) در کلماتشان به همین معنا از عدل اشاره می‌کنند: «العدل یضع الامور مواضعها؛ عدل هر چیزی را در جایگاه ویژه خود قرار می‌دهد.» (نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۳۷)

این معنای از عدل در کلمات فلاسفه نیز به چشم می‌خورد؛ حکیم سبزواری در تعریف عدل گفته است: «وضع کل شیء فی موضعه؛ اعطاء کل ذی حق حقه؛ هر چیزی را در جای مناسب خود نهادن و حق هر صاحب حقی را به او اعطا نمودن.» (شرح الاسماء الحسنی، ص ۵۴)

به طور کلی تعریف فلاسفه اسلامی از مفهوم عدل را می‌توان در این جمله خلاصه کرد: «العدل هو وضع کل شیء فی موضعه؛ عدل نشاندهن هر چیز در جایگاه بایسته خودش است.» اگر تعاریف فوق از عدالت را در تعریف چگونگی عادلانه بودن رفتار انتخاباتی نظام و سازوکاری چون شورای نگهبان را مد نظر قرار دهیم دعوت رهبر معظم انقلاب از عموم مردم برای شرکت در انتخابات پیش رو از منظر عدالت نیز مورد توجیه و تفسیر قرار می‌گیرد. براساس حق مردم در نظام اسلامی، همه آحاد به خاطر دارا بودن از «حق» شهروندی می‌توانند و باید در انتخابات شرکت کنند. به عبارت دیگر اگرچه حضور و مشارکت آحاد مردم در انتخابات علاوه بر تاثیرات فراوان ضامن امنیت کشور نیز هست، صاحب حق بودن و مبناى اسلامی عدالت از این منظر برمی‌آید، چرا که هر کس با نوع حضور خود از حق خود برای انتخاب کارگزار استفاده کرده است. براساس تعریف قرار گرفت‌ن هر چیزی در جای

## مبنای فراخوان رهبر معظم انقلاب برای آحاد مردم در انتخابات‌ها چیست؟

# دعوت از همه

- هادی قائم‌قامی

درصد بوده است. این آمار و ارقام نشان می‌دهد، در ۳ دهه گذشته مردم ایران همواره در انتخابات، حضور پررنگ و حماسی داشته‌اند.

قطعاً موضوع امنیت از وجوه دیگری است که می‌توان در بحث نظری دعوت رهبر معظم انقلاب از آحاد مردم برای مشارکت و حضور در انتخابات از آن استفاده کرد. حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی سرآغازی بی‌پایان بر گسترش ناامنی در منطقه غرب آسیا لحاظ می‌شود. بیش از ۱۴ سال از این حادثه تروریستی مهیوم و مشکوک می‌گذرد و هنوز هم سوالات بسیاری در ذهن مردم جهان بی‌پاسخ مانده است. به بهانه حادثه ۱۱ سپتامبر برخی از کشورهای غربی به سرکردگی آمریکا به منطقه نفت‌خیز غرب آسیا آمدند و طی جنگی خونبار ابتدا افغانستان و سپس عراق را اشغال نظامی کردند. ناوگان دریایی نظامی در خلیج‌فارس مستقر کردند و پایگاه‌های نظامی متعددی را در کشورهای دیکتاتوری، سلطنتی و کودتایی منطقه تدارک دیدند. نیروهای نظامی غربی که به بهانه ایجاد دموکراسی و حمایت از حقوق بشر، نقاط استراتژیک غرب آسیا را اشغال نظامی کرده‌اند در مدت زمان ۱۴ سال هزاران شهروند غیرنظامی بی‌گناه را به خاک و خون کشاندند و در مقابل گروه‌های تروریست و حکومت‌های دیکتاتوری را تقویت و حمایت کردند.

گروه‌های تندروی تکفیری، زاده حضور مستمر نظامی غربی‌ها در منطقه غرب آسیا هستند. این گروه‌ها با حمایت کشورهای غربی به سرکردگی آمریکا تشکیل و با حمایت دلارهای نفتی در اقصی نقاط منطقه گسترش یافتند و همچون سرطانی غیر قابل درمان منطقه غرب آسیا را آماج حملات قرار دادند. تا جایی که هیچ کشور و هیچ نقطه‌ای در منطقه از گزند آنها در امان نمانده است.

روزگاری که منطقه ما در تب و تاب ناامنی می‌سوخت، کشورهای غربی و بویژه برخی از کشورهای اروپایی از امنیت و آرامش برخوردار بودند، زیرا بسیاری از جانیکناران و تبهکاران این کشورها با دریافت دلارهای نفتی به گروه‌های تروریست تکفیری در کشورهای منطقه غرب آسیا پیوسته بودند اما دبری نباید که بومرنگ بر تپاب شده توسط غربی‌ها به سوی غرب آسیا، با سرعتی بیشتر از تپاب بومرنگ، به سمت خود غربی‌ها بازگشت.ماجرای عملیات تروریستی تکفیری‌ها در شارلی ابدو، عملیات اخیر آنها در پاریس، تیراندازی خونبار حامیانشان در سن برناردینو و ده‌ها نمونه دیگر که اخیراً در آمریکا و اروپا رخ داده است، همگی نتیجه مستقیم حمایت کشورهای غربی از گروه‌های تروریست است. گسترش تروریسم تا قلب اروپا و آمریکا نشان می‌دهد جهان امروز به دلیل اتخاذ سیاست‌های غلط از سوی مدعیان ترویج دموکراسی و حمایت از حقوق بشر، ناامن‌تر از تهدیداتی مستمر به خطر افتاده است.

در شرایطی که نهنتها منطقه غرب آسیا، شمال آفریقا و آسیای مرکزی بلکه سراسر جهان در گیر معضلی به نام تروریسم و گسترش عملیات گروه‌های تروریستی است، ایران اسلامی با تکیه بر آرامش و امنیت برخاسته از انقلاب اسلامی به یکی از امن‌ترین مناطق دنیا تبدیل شده است. این امنیت و آرامش در وهله نخست مدیون فرهنگ خاص برخاسته از انقلاب اسلامی است، فرهنگی عدالت‌محور که برای تمام انسان‌ها با سلاقی مختلف احترام ویژه‌ای قائل است.

امنیت امروز ما در گرو پایدندی به مردمسالاری اسلامی است، نوعی حکومت که مردم در آن صاحبان واقعی کشور هستند و امور توسط منتخبانی از جنس مردم و بر مبنای انسانیت و محمدی اداره می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های گذشته با تکیه بر فرهنگ عاشورایی، توان دفاعی و امنیتی کشور را به حدی رسانده است که نه فقط سایر کشورها، بلکه حتی گروه‌های تروریست تکفیری مورد حمایت غرب هم جرأت نزدیکی به مرزهای ایران اسلامی را ندارند. به

همین دلیل در شرایطی که هر دقیقه از گوشه‌ای از دنیا خبر انفجار تروریستی، جنگ و ناامنی به گوش می‌رسد، در سایه انقلاب اسلامی و حمایت قاطع مردم ایران از انقلاب خودشان، امنیت و آرامش در ایران برقرار است.

امنیت رکن اصلی در پیشرفت و توسعه و آبادانی است و آرزوی دشمنان مردم ایران گرفتن امنیت از کشورمان است. نقشه‌های شوم که با حضور، درایت و شعور مردم ایران در بزنگاه‌های تاریخی نقش بر آب شده است. رهبر معظم انقلاب در روز دیدار مردم قم، همه را به حضور در انتخابات توصیه کردند، حتی کسانی که به جمهوری اسلامی اعتقادی نداشتند اما به «اعتبار ایران» و «امنیتی» که در آن هست «اعتقاد» دارند. جمهوری اسلامی فارغ از اهدافش که برای آن به‌وجود آمده، کارنامه‌ای دارد. ممکن است کسانی برایشان آن نگاه آرمانی وجهی نداشته باشد اما عملکرد و کارآمدی جمهوری اسلامی را در برخی حوزه‌ها می‌پسندند. امنیتی که در این منطقه پر از آتش امروز در ایران وجود دارد، مه‌وهن مجاهدت سربازان انقلاب اسلامی است. اینها اگر به استمرار آن کارآمدی علاقه‌مندند، طبیعی است جهت تقویت آن به میدان حضور در انتخابات بیایند. در واقع همه فارغ از اعتقادات و نگاه سیاسی‌شان به امنیت نیاز دارند و افرادی که به وجود این امنیت در ایران اسلامی معتقدند برای حفظ و ابهت این حصار امن باید در انتخابات مشارکت داشته باشند. متحقق مردمسالاری تنها با حضور مردم شدنی است. مردمسالاری نیز از مبانی نظری دیگری است که مدنظر رهبر انقلاب برای دعوت از همه مردم برای شرکت در انتخابات بوده است. اما مردمسالاری واقعا چیست و چه مصداق عینی برای آن می‌توان پیدا کرد؟

مردمسالاری یعنی افرادی از میان مردم برای تصدی مشاغل در سطوح مختلف کاندیدا شوند و طی یک فرآیند انتخاباتی مردم‌نهاد، مردم کوچمه و بازار به پای صندوق بیایند و از میان انبوه نامزدهای انتخاباتی فرد اصلی را انتخاب و بر مسند مشاغل انتخابی منصوب کنند. در نظام مردمسالار، شمارش آرا و تعیین پیروز انتخابات پایان حضور مردم نیست، در چنین نظامی مردم تا دوره بعدی انتخابات هوشمندانه و با دقت عملکرد منتخبان را زیر ذره‌بین قرار می‌دهند و عملکرد آنها را در حافظه تاریخی خودشان ثبت می‌کنند و در دور بعدی انتخابات کم‌کاری‌ها را با رای ندادن و عدم اعتماد مجدد جبران می‌کنند. در ۳ دهه گذشته ۲۲ انتخابات از این شکل در کشور برگزار شده که در همه این ۲۲انتخابات، مردم یا در نقش برگزارکننده و ناظر یا در نقش کاندیدا یا در نقش رای‌دهنده حضور و مشارکت داشته‌اند.

به‌عنوان مثال اگر انتخابات ریاست‌جمهوری ایران را با انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که تا چه میزان مردمسالاری با دموکراسی متفاوت است. در ایران مردم برای انتخاب کاندیدای اصلح، آزادانه به پای صندوق رای می‌آیند و مستقیم منتخب خودشان را تعیین و به ریاست‌جمهوری منصوب می‌کنند امسا در آمریکا مردم برای رای دادن در انتخابات ریاست‌جمهوری از ماه‌ها قبل باید در ۲ حزب ثبت‌نام کنند. در روز رای‌گیری هم رای شهروندان آمریکا حکم نظرسنجی را دارد. رئیس‌جمهور آمریکا را اعضای کالج‌های الکترال تعیین می‌کنند نه مردم آمریکا و اعضای این کالج‌ها در صورت تمایل می‌توانند به رای مردم به‌عنوان ابزار نظر سنجی توجه کنند. در بسیاری از ادوار انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا‌اعضای کالج‌های الکترال دقیقاً برعکس نظر مردم آمریکا رای داده‌اند. به همین دلیل است که گفته می‌شود دموکراسی با مردمسالاری حقیقی متفاوت است و در بیشتر نظام‌های دموکراتیک، «مردم»سالار و تعیین‌کننده نیستند. از این منظر دعوت رهبر معظم انقلاب عملاً دعوت به تحقق مردمسالاری نیز تعبیر و تفسیر می‌شود.



### ۳ روز آخر بنی‌صدر

روز ۲۸ خرداد ۱۳۶۰ ابوالحسن بنی‌صدر رهسپار غرب کشور شد و در آنجا در قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش مستقر شد و دفتر سرهنگ عطاریان را در اختیارش گذاشتند. یک سری ملاقات‌های مشکوک در آن دفتر انجام می‌شد. آن موقع سردار لطفیان و آقای هدایت مسؤول اطلاعات بودند. شهید بروجردی، سردار لطفیان و بنده را خواست و گفت: بوی توطئه می‌آید. وی دستور داد که با حفظ احترام، حتی نفس کشیدن آنان کنترل شود. بنده و آقای هدایت به دنبال راهی برای انجام این دستور بودیم. ابتدا باید در قرارگاه نیروی زمینی ارتش نفوذ می‌کردیم. خدا لطف کرد و با تدبیر دوستان امکاناتی فراهم شد که مرکز آنجا و دفتر عطاریان تحت کنترل درآمد. یعنی از پشت اتاق بنی‌صدر مکالمات تلفنی وی کنترل می‌شد و ما لحظه به لحظه از اینکه با چه کسانی ملاقات و مذاکره می‌کرد گزارش داشتیم. الان اسم‌ها یادم نیست. ولی حتی افرادی از خاک عراق از طریق کردستان آمدند و با او ملاقات کردند. نماینده‌ثانی از سازمان مجاهدین خلق هم در کردستان مستقر شده بودند. همه این گزارش‌ها لحظه به لحظه به بروجردی داده می‌شد.

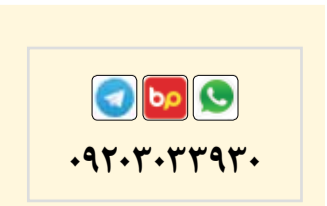
صبح روز ۲۹ خرداد شهید بروجردی مرا خواست و گفت: «قرار است بنی‌صدر برای بازدید از سپاه بیاید و صبح سی و یکم در صبحگاه سپاه شرکت کند. شما برو یک متنی برای خیرمقدم تهیه کن.» گفتم: شما می‌خواهید صحبت کنید و خیرمقدم بگویید، شاید متنی که من تهیه بکنم به درد شما نخورد. گفتم: «تو تهیه کن بیاور، من می‌گویم چه کار باید بکنی.» من این متن را تهیه کردم و به ایشان دادم. روی متن اصلاحاتی انجام داد و گفت: «خیلی خوب حالا این متن را چند بار بخوان و آماده شو، خودت باید خیرمدم بگویی.»

خیلی به من سخت گذشت. چون ما قبل از اینکه به منطقه برویم-با بنی‌صدر در ریاست‌جمهوری درگیری‌هایی داشتیم و با او رو در رو شده بودیم. من گفتم: «این یک کار را از من نخواه.» گفت: «هن همین یک کار را که برایت سخت است می‌خواهم.» گفتم: «چشم.» از طرفی ما چند نفر که در جریان گزارشات اتاق بنی‌صدر و رفت و آمدهایش بودیم، دیدیم واقعا قفسه جدی است. بروجردی به من گفت: «باید این گزارش‌ها به اطلاع امام برسند.» پرسید: «تو با آقای راستی ارتباط داری؟» گفتم: بله! گفتم: «تلفنی می‌توانی مطلب را به او اطلاع بدهی؟» گفتم: بله!

ساعت ۱۰ شب ۳۰ خرداد آخرین تماس ما با قم برقرار شد. آقای راستی گفتند: حاج احمدآقا زنگ زدند و پرسیدند: «افرادی که این گزارشات را داده‌اند چقدر مورد وثوق هستند؟ آیا تاییدشان می‌کنید؟» ایشان هم پاسخ داده بودند. تاییدنده منطقه آقای بروجردی در جریان هستند و همه این افراد را تایید می‌کنند. حاج احمدآقا هم گفتند «منتظر باشید امام می‌خواهند تصمیم‌بگیرند.»

ما نمی‌توانستیم حدس بزنیم که منظور عزل بنی‌صدر است. گفتمیم شاید امام دستوری دهند یا کسی را به منطقه بفرستند. جالب این بود که همان موقع شهید فقوری، شهید فلاحی، مرحوم ظهیرنژاد و یکی، دو نفر دیگر آمده بودند تا زمین‌ه را برای صبحگاه فردا آماده کنند. آنها گفتند بنی‌صدر نگران است و می‌گوید فرماندهان اینجا ممکن است به او اهانت کنند. ما گفتمیم «همه ضوابط را رعایت می‌کنیم و فرمانده منطقه به سپاه تشکر خواهد کرد.» از طرفی رادیو را روشن کرده بودیم و صدای آن در بلندگوهای سننات بود. من در گوش شهید بروجردی گفتم که «حاجی ممکن است خبرهایی بشود» برای همین صدای رادیو بلند بود. این آقایان با قول اینکه فردا صبحگاه آرامی در سپاه برگزار شود خداحافظی کردند و رفتند. ساعت ۱۰:۲۰ صبح بود که رادیو اعلام کرد هم‌اکنون بیانیه‌ای از طرف حضرت امام خمینی اعلام خواهد شد. در همان بیانیه بود که بنی‌صدر عزل گردید. فردای همان روز بنی‌صدر به سازمان مجاهدین خلق پیوست. پوچها آنها را تا جاده چالوس تعقیب کردند. آن موقع امکانات زیادی در منطقه نداشتیم. موتوری که بچه‌ها با آن رفته بودند بنزین تمام کرده بود. تا رفتند بنزین بزنند گمشان کردند. یک هفته بعد بود که بنی‌صدر با سرکرده متناقضین از کشور فرار کرد.

منبع:اکبر براتی، فصلنامه فرهنگ پایداری



ار تباط‌بامادر شبکه‌های اجتماعی